

# «زنکی خاله» در معنای

Photo: /medn.me/f3jv89

سیلویا فدریچی — آیدین خلیلی

اگر قرار باشد دریابیم سرکوب جنسیتی چگونه عمل، و خود را بازتولید، می‌کند، ترسیم تاریخ کلماتی که غالباً برای توصیف و خوارشماری زنان به کار می‌روند گامی ضروری است. در این زمینه تاریخ «خاله‌زنکی» نمادین است.

[با یاد زندانیان زن در ایران]

[برای مرضیه امیری]

**زنان ستون فقرات طبقه‌ی کارگرند و هنگامی که طبقه‌ی کارگر مجبور به سکوت شود، سرمایه‌پروزی می‌شود، از این روست که ما نباید هرگز ساکت شویم. باید همچنان خاله‌زنکی کنیم.** [۱]

\*\*\*

اگر قرار باشد دریابیم سرکوب جنسیتی چگونه عمل، و خود را بازتولید، می‌کند، ترسیم تاریخ کلماتی که غالباً برای توصیف و خوارشماری زنان به کار می‌روند گامی ضروری است. در این زمینه تاریخ «خاله‌زنکی» [۲] نمادین است. به میانجی آن می‌توانیم از دو قرن تهاجم به زنان در طلیعه‌ی پیدایش انگلستان مدرن سردرآوریم، در آن دوران لغتی که عموماً اشاره به دوست صمیمی مؤنث داشت بدل به کلمه‌ای شد که معنی غیبت و یاوه می‌دهد، مکالمه‌ای که بدر نفاق می‌پراکند، درست برخلاف دوستی زنانه که دلالت بر همبستگی داشت و آن را ایجاد می‌کرد. انتساب معنایی تحقیرآمیز به کلمه‌ای که دلالت بر دوستی میان زنان داشت در خدمت نابودی تداول اجتماعی بودن زنان در قرون وسطا بود، در آن زمان عمده‌ی فعالیت‌های زنان ماهیتی جمعی داشت و، لاقلاً در طبقات پایین، زنان اجتماعی همبسته را شکل می‌دادند که منشاء قدرتی بود که مشابه آن در دوران مدرن یافت نمی‌شود.

ردیاهای استفاده از این کلمه در ادبیات آن دوران متعددند. «*gossip*» که از لغات کهن انگلیسی *God* و *sibb* (شیهه، هم‌نسب) مشتق شده، در اصل به معنای «والدین تعمیدی» بوده که نسبتی روحانی با نوزاد تعمیدشونده دارند. با این حال در آن زمان این لغت با معنایی گسترده‌تر به کار می‌رفت. در انگلستان اوایل دوران مدرن کلمه‌ی «گاسپ» که برای حاضران در عمل زایمان به کار می‌رفت، محدود به قابله نبود و تبدیل به کلمه‌ای برای دوستان مؤنث شد، بی‌آن‌که دلالت‌های ضمنی توهین‌آمیز داشته باشد. [۳] در هر دو حالت این کلمه معنای عاطفی قدرتمندی داشت. وقتی کاربرد کلمه را می‌بینیم متوجه این می‌شویم، کاربردی دال بر روابطی است که زنان را در جامعه‌ی انگلستان پیشامدرن به هم پیوند می‌دهد.

مثال مشخصی از این دلالت ضمنی را در نمایش کراماتی [۴] از حلقه‌ی چستر [Chester Cycle] می‌بینیم که نشان می‌دهد «خاله‌زنکی» کلمه‌ای دال بر پیوندی عمیق بود. نمایش کرامات دست‌ساخته‌ی اعضای اصناف بود که با خلق و تأمین هزینه‌ی این اجراها می‌کوشیدند موقعیت اجتماعی خویش را به عنوان بخشی از ساختار قدرت محلی، ارتقا دهند. [۵] از این رو خود را ملزم به تقویت شکل‌های مألوف رفتار و تمسخر رفتارهای مذموم می‌کردند. آنان منتقد زنان مستقل قدرتمند و به‌ویژه مناسبات آنان با شوهران‌شان بودند، شوهرانی که این زنان مورد اتهام دوستان‌شان را به آنان ترجیح می‌دادند. آن چنان که تامس رایت در تاریخ آداب و عوطف خانگی در انگلستان قرون وسطا (۱۲۸۱) [۶] گزارش می‌دهد، عمدتاً زنان را به‌گونه‌ای ترسیم می‌کردند که زندگی‌ای مستقل را می‌گذرانند و اکثر اوقات «با خاله‌زنک‌های‌شان در میخانه‌های عمومی جمع می‌شوند، می‌نوشند و خوش می‌گذرانند.» به همین ترتیب در یکی از نمایش کرامات‌های حلقه‌ی چستر که نوح را نشان می‌دهد که از مردم و حیوانات می‌خواهد داخل کشتی شوند، زن نوح نشسته در میخانه همراه با «خاله‌زنک‌هایش» تصویر می‌شود و وقتی شوهرش از او می‌خواهد که با وی همراه شود سرباز می‌زند، حتی آن گاه که آب در حال بالا آمدن است، «مگر آن که او اجازه داشته باشد خاله‌زنک‌هایش را همراه خود بیاورد.» [۷] این‌ها به گزارش رایت کلماتی‌اند که او باید از طرف نویسنده‌ی نمایشنامه‌ی به زبان می‌آورد.

آری، آقا، کشتی‌ات را در آب انداز

و شر پیش، آن را بران

چون بی هیچ تردیدی

من پا از این شهر بیرون نخواهم گذاشت

در عوض خاله‌زنک‌هایم را در کنار دارم، همه را،

یک قدم هم پیش نخواهم گذاشت

به لطف سنت جان، آنها غرق نمی‌شوند

و من زندگی‌شان را نجات می‌دهم!

به لطف مسیح، آنان بسیار دوستم می‌دارند

[یا [به درون مرکب راهشان ده

یا همین حالا به هر جا که می‌خواهی پارو بزنی

و زنی تازه برای خود اختیار کن] ۸]

در نمایشنامه این صحنه با دعوی فیزیکی پایان می‌یابد که در آن زن شوهرش را کتک می‌زند.

رایت اشاره می‌کند که «میخانه ملجائی بود برای زنان اقشار میانه و پایین که در آن گرد هم می‌آمدند تا بنوشند و خاله‌زنکی کنند.» وی اضافه می‌کند که: «گردهمایی خاله‌زنک‌ها در میخانه‌ها موضوع بسیاری از آهنگ‌های عامیانه‌ی قرون پانزده و شانزدهم را هم در انگلستان و هم در فرانسه شکل می‌دهد.» [۹] او مثلاً آهنگی را، به احتمال از نیمه‌ی قرن پانزدهم، نام می‌برد که یکی از این گردهمایی‌ها را شرح می‌دهد. اینجا زنان «که اتفاقی همدیگر را دیده‌اند» تصمیم می‌گیرند، برای اینکه توجه کسی را جلب نکنند و از طرف شوهران‌شان شناسایی نشوند، دوه‌دو به «جایی بروند که بهترین شراب را دارد». [۱۰] وقتی بدانجا می‌رسند به ستایش شراب و شکایت از اوضاع زناشویی می‌پردازند. سپس از خیابان‌های مختلف به خانه می‌روند و «به شوهران‌شان می‌گویند که به کلیسا رفته بوده‌اند.» [۱۱]

مجموعه نوشته‌های نمایشنامه‌های کرامات و نمایشنامه‌های اخلاقی تعلق به دوره‌ی گذاری دارد که در آن زنان هنوز حائز درجه‌ی قابل توجهی از قدرت اجتماعی بوده‌اند، اما موقعیت اجتماعی‌شان در مناطق شهری به شکلی فزاینده در معرض تهدید بود، چون اصناف (که حامی تولید این نمایشنامه‌ها بودند) شروع به کنار گذاشتن آنان از صفوف خود و تأسیس مرزهایی تازه بین خانه و حوزه‌ی عمومی کردند. بنابراین تعجب‌برانگیز نیست که زنان غالباً در میان آنان مورد سرزنش بودند و فتنه‌انگیز و پرخاش‌جو و آماده‌ی دعوا راه انداختن با شوهران‌شان تصور می‌شدند. بازنمایی «جنگ سر تنبان» [۲۱] [سنخ‌نمای این گرایش بود که در آن زن در نقش سلیطه ظاهر می‌شد. شوهرش را شلاق می‌زد، نشسته بر پشتش از او سواری می‌گرفت، این جابه‌جایی نقش‌ها به قصد شرمندگی مردانی بود که اجازه می‌دادند زنان‌شان دست بالا را داشته باشند.] ۳۱]

این بازنمایی‌های هجوآمیز و به‌بیان‌درآمدن تمایلات ضدزنانه‌ی روبه‌رشد، برای سیاست اصناف یعنی تقلا برای بدل شدن به فضاهایی انحصاراً مردانه، لازم بود. اما بازنمایی زنان به صورت اشخاصی قدرتمند و جسور هم ماهیت مناسب‌تری آن دوران را نشان می‌داد، چون زنان نه در مناطق روستایی و نه شهری برای گذران زندگی به مردان متکی نبودند؛ آنان فعالیت‌هایی مختص به خود داشتند و بخش عمده‌ی زندگی و کار خود را با زنان دیگر می‌گذراندند. زنان در همه‌ی امور زندگی‌شان با همدیگر همکاری می‌کردند. آنان در جمع دیگر زنان لباس‌هایشان را می‌شستند، خیاطی و زایمان می‌کردند. مردان با سخت‌گیری از اتاق زانو دور نگه داشته می‌شدند. موقعیت حقوقی آنان بازتابنده‌ی این خودآیینی بیش‌تر بود. در ایتالیای قرن چهاردهم آنان هنوز قادر بودند برای متهم کردن مردی به تجاوز و آزارشان، مستقلاً به دادگاه بروند.] ۴۱]

تا قرن شانزدهم افول جایگاه اجتماعی زنان آغاز شده بود و هجو راه را برای آن چیزی باز کرده بود که بی‌اغراق می‌توان جنگ برضد زنان، به‌ویژه زنان طبقات پایین، توصیفش کرد. این جنگ شمار فزاینده‌ی حملات به زنان با «غرغرو» و «سلیطه نامیدن‌شان و اتهامات جادوگری بازتاب یافته است

با این حال تا قرن شانزدهم افول جایگاه اجتماعی زنان آغاز شده بود و هجو راه را برای آن چیزی باز کرده بود که بی‌اغراق می‌توان جنگ برضد زنان، به‌ویژه زنان طبقات پایین، توصیفش کرد. این جنگ در شمار فزاینده‌ی حملات به زنان با «غرغرو» و «سلیطه نامیدن‌شان و اتهامات جادوگری بازتاب یافته است.» [۵۱] [به همراه این تحول شاهد تغییری در معنای «خاله‌زنک» هستیم که بیش از پیش زنی را ترسیم می‌کند سرگرم یاوه‌گویی.

معنای سنتی کلمه کنار رفت. در سال ۲۰۶۱، هنگامی که سمیوئل رولندز در هنگام ملاقات طرب‌انگیز خاله‌زنکان [۶۱] [را نوشت که

نمایشنامه‌ای هجوآمیز بود در وصف سه زن لندنی که ساعت‌ها در میخانه‌ای وقت صرف صحبت کردن از مردان و ازدواج می‌کنند، این کلمه هنوز در معنای دوستی‌های زنانه به کار می‌رفت و دلالت بر این داشت که «زنان می‌توانستند شبکه‌های اجتماعی و فضای اجتماعی خاص خود را خلق کنند» [۷۱] و در برابر اقتدار مردانه بایستند. اما در ادامه‌ی قرن معنای ضمنی منفی کلمه معنایی غالب شد. همان‌طور که اشاره رفت این دگرگونی در پیوند تنگاتنگ با تقویت اقتدار پدرسالارانه در خانواده و طرد زنان از اصناف و پیشه‌ها بود [۸۱] که در ترکیب با حصارکشی‌ها، منجر به «زنانه‌شدن فقر» [۹۱] شد. با تحکیم خانواده و اقتدار مردانه در دل آن که قدرت دولت را با عطف به زوجات و فرزندان نمایندگی می‌کرد و با از دست رفتن دسترسی به لوازم معاش سابق، هم قدرت زنان و هم دوستی‌های زنانه تضعیف شدند.

بنابراین در حالی که در اواخر قرون وسطا هم‌چنان امکان‌پذیر بود که زن ایستاده در برابر شوهرش مجسم شود و حتی با وی وارد دعوا و درگیری شود، تا پایان قرن شانزدهم برای هر گونه نشان دادن استقلال و هر نقدی که به شوهرش وارد می‌کرد ممکن بود به سختی مجازات شود. تمکین - همچنان که ادبیات آن زمان مکرراً تأکید دارد - مهم‌ترین وظیفه‌ی زن بود که کلیسا، قانون و افکار عمومی و سرآخر مجازات‌هایی ستمگرانه تحمیلش می‌کرد، مجازات‌هایی که بر ضد «زنان غرغرو» مرسوم شده بود، همچون «افسار غرغرو» [Scold's bridle] که «برنکس [branks]» نیز نام داشت، اسبابی سادیستی که از فلز و چرم ساخته می‌شد و اگر زن قصد حرف زدن می‌کرد زبانش را می‌برید. این ابزار چارچوبی آهنی بود که سر زن را در بر می‌گرفت، دهنه‌ای به طول ۵ سانتی‌متر و عرض ۵.۲ سانتی‌متر وارد دهان می‌شد و با فشار روی زبان قرار می‌گرفت؛ دهنه غالباً میخ کوب شده بود تا اگر شخص خطاکار زبانش را تکان دهد، موجب درد شود و حرف زدن را ناممکن کند.

تمکین مهم‌ترین وظیفه‌ی زن بود که کلیسا، قانون و افکار عمومی و سرآخر مجازات‌هایی ستمگرانه تحمیلش می‌کرد، مجازات‌هایی که بر ضد «زنان غرغرو» مرسوم شده بود، همچون «افسار غرغرو» که «برنکس» نیز نام داشت، اسبابی سادیستی که از فلز و چرم ساخته می‌شد و اگر زن قصد حرف زدن می‌کرد زبانش را می‌برید.

این ابزار شکنجه که اولین بار در اسکاتلند سال ۱۶۵۱ به ثبت رسیده است، به عنوان مجازاتی برای زنان طبقات پایین طراحی شده بود که «نق‌زن» یا «غرو» و «یا آشوبگر» که غالباً مظنون به جادوگری بودند - تلقی می‌شدند. زوج‌هایی که جادوگر، سرکش یا غرغرو شناخته می‌شدند نیز مجبور بودند آن را قفل شده به سرشان ببوشند. [۲] این ابزار غالباً «افسار خاله‌زنک» نامیده می‌شد، شاهدی بر تغییر معنای لغت. محتمل بود متهم را با چنین چارچوبی که سر و دهان‌شان را قفل می‌کرد، در شهر در میان تحقیر سنگدلانه‌ی جمعیت بگردانند تا همه‌ی زنان مرعوب شوند و به آنان نشان دهند اگر مطیع نمانند چه چیزی در انتظارشان خواهد بود. این ابزار به شکل چشمگیری تا قرن هجدهم در ویرجینیای آمریکا، برای کنترل بردگان به کار می‌رفت.

شکنجه‌ی دیگری که بر زنان جسور/شورش‌ی اعمال می‌شد «چارپایه‌ی غوص» غرق‌کننده [۱۲] بود که آن هم به عنوان مجازاتی برای روسپیان و زنانی استفاده می‌شد که در شورش‌های ضد حصارکشی شرکت داشتند. این وسیله گونه‌ای صندلی بود که زن را بدان می‌بستند و بر آن «می‌نشاندند تا زیر آب برکه یا رودخانه برود. «بنا به گفته‌ی د. ا. آندردون» پس از ۵۶۱ شواهد استعمال آن رو به فزونی می‌رود.» [۲۲]

زنان همچنین، در همانی حالی که کشیشان در مواعظشان در باب زیان آنان داد و قال به راه می‌انداختند، برای «غر زدن» به دادگاه احضار و جریمه می‌شدند. از زوجات به‌ویژه انتظار می‌رفت که ساکت باشند، «شوهران‌شان را بی‌چون و چرا تمکین کنند» و «احترام آنان را نگه دارند. «بیش از همه به آنان تعلیم می‌دادند تا خانه و شوهر را در مرکز توجه‌شان قرار دهند و پای پنجره و دم در وقت نگذرانند. آنان همچنین از رفت و آمد زیاد با خانواده‌ها و مخصوصاً دوستان مؤنث‌شان، پس از ازدواج، برحذر داشته می‌شدند. سپس در سال ۱۶۵۱ «اعلامیه‌ای انتشار یافت که زنان را از ملاقات و وراجی و صحبت با یکدیگر منع می‌کرد» و به شوهران دستور می‌داد «زنان‌شان را در خانه نگه دارند.» [۳۲] دوستی‌های زنانه یکی از اهداف ساحره‌کشی بود، چنان که در جریان دادگاه‌ها زنان متهم تحت شکنجه مجبور می‌شدند همدیگر را محکوم کنند، دوستان همدیگر را و دختران مادران‌شان را لو می‌دادند.

در این بستر بود که معنای کلمه‌ی «خاله‌زنکی» از دوستی و محبت بدل به کلمه‌ای برای تحقیر و تمسخر شد. این کلمه حتی هنگامی که با معنای قدیم‌تر به کار می‌رفت، دلالت‌های ضمنی تازه را نشان می‌دهد و به گروه غیررسمی زنانی اشاره داشت که در اواخر قرن شانزدهم رفتار اجتماعاً پسندیده را به وسیله‌ی سرزنش خصوصی یا مناسک عمومی تحمیل می‌کردند که حاکی از این است که (مانند مورد قابله‌ها) همکاری میان زنان در خدمت تقویت نظم اجتماعی قرار می‌گرفت.

### خاله‌زنکی و شکل‌گیری دیدگاه زنانه

خاله‌زنکی امروز اشاره به مکالمه‌ای خودمانی دارد که بیشتر اوقات به آن کس که موضوع مکالمه است گزندی می‌رساند و غالباً گفتگویی است که رضایت در آن از بدگویی بی‌مسئولانه از دیگران حاصل می‌شود؛ پخش اطلاعاتی است که قرار نبوده همگان از آن باخبر شوند اما می‌تواند آبروی افراد را ببرد، و صراحتاً «مکالمه‌ی زنان» است.

زنانه که «خاله‌زنکی» می‌کنند، آنان ظاهراً کار بهتری برای انجام دادن ندارند و دسترسی‌شان به دانش و اطلاعات واقعی اندک است و گرفتار ناتوانی‌ای ساختاری‌اند در شکل دادن به گفتارهای عقلانی مبتنی بر واقعیات. از این رو خاله‌زنکی بخش جدایی‌ناپذیر بی‌ارزش‌انگاری شخصیت و کار زنان است، به ویژه کار خانگی که در نظر عامه عرصه‌ی مطلوبی است که در آن این کردار نشو و نما می‌یابد.

مفهوم «خاله‌زنکی» آن‌چنان که دیدیم، در زمینه‌ی تاریخی خاصی ظهور کرد. این «یاوه‌گویی زنانه» از چشم‌انداز دیگر سنن فرهنگی، به واقع به شکلی کاملاً متفاوت ظاهر می‌شود. در بسیاری از نقاط دنیا زنان را بافندگان حافظه می‌دانند - کسانی که صداهای گذشته و تاریخ‌های اجتماعات را زنده نگه می‌دارند و آنها را به نسل‌های بعدی انتقال می‌دهند و با این کار هویتی جمعی و حس همبستگی عمیقی خلق می‌کنند. آنان همچنین کسانی بوده‌اند که دانش و معرفت اکتسابی - در مورد درمان‌های پزشکی، مشکلات قلبی و فهم رفتار انسانی و پیش از همه رفتار مردان - را سینه‌به‌سینه منتقل می‌کرده‌اند. برجسب «خاله‌زنکی» بر همه‌ی محصولات این دانش زدن، بخشی از خوارداشت زنان است - و در راستای کلیشه‌ای است که شیطان‌شناسان ساخته‌اند؛ زن به عنوان فردی مستعد شرارت، حسدورزی به مال و جاه دیگران و گوش سپردن به فرمان شیطان. بدین ترتیب است که زنان مجبور به سکوت شده و تا امروز از خیلی از مکان‌هایی طرد شده‌اند که در آن تصمیمات اتخاذ می‌شود، آنان از امکان تعریف تجربیات خودشان محروم شده و مجبور شده‌اند با زن‌ستیزی مردان یا تصویر ایدئال از خود سازگار شوند. اما اکنون ما در حال پس گرفتن دانش خود هستیم. همچنان که زنی اخیراً در نشستی در باب معنای جادوگری اظهار داشت، جادو یعنی: «ما می‌دانیم که می‌دانیم.»

منبع: این مقاله فصلی است از آخرین کتاب سیلویا فدریچی:

. Oakland, CA: PM Press *Witches, Witch-Hunting, and Women* (۸۱۰۲)

#### یادداشت‌ها:

۱] <https://www.versobooks.com/blogs/4290-gossip-girls>, in: *Gossip Girls*, Emily Janakiram ۱۱/۲۰/۲۰۱۹.

۲] «همه‌جا» *gossip* به خاله‌زنکی برگردانده شده، جز موردی که نویسنده مستقیماً به شکل و تاریخ کلمه اشاره دارد. گرچه ریشه‌ی تاریخی دقیق این کلمه‌ی فارسی را نمی‌دانیم، اما بار جنسیتی و قابلیت آن برای اشتقاق‌های توصیفی و فعلی، استعمالش در این مورد را توجیه می‌کند. با این حال روشن است «خاله‌زنکی» همه‌ی دلالت‌های ضمنی دیگر «gossip» را در بر ندارد. دیگر معادل‌های فارسی برای این کلمه شایعه، اراجیف، غیبت، ژاژخایی و سخن‌چینی است. - م.

۳] Oxford English Dictionary: 'A familiar acquaintance, friend, chum,' supported by references from 1361 to 1873.

۴] *Mystery play*: نمایش‌های کرامات و معجزات اشکالی رایج در تئاترهای اروپای قرون میانه بودند که زندگی قدیسین و روایات کتاب مقدس را به تصویر می‌کشیدند. - م.

۵] *Artisan Drama and Identity in The Civic Cycles*: Nicole R. Rice and Margaret Aziza Pappano, *Premodern England* (Notre Dame, IN: University of Notre Dame Press, 2015).

۶] *A History of Domestic Manners and Sentiments in England during the Middle Ages* Thomas Wright, (London: Chapman and Hall, 1862).

۷] On the Noah's play in the Chester Cycle, see Rice and Pappano, *The Civic Cycles*, ۴۸-۵۶۱.

۸] *A History of Domestic Manners and Sentiments in England during the Middle Ages* Wright, ۱۲-۲۴.

۹] *A History* Wright, ۷۳۴-۸۳.

۱۰] "God may send me a stripe or two," said one, "if my husband should see me here." "Nay," said Alice, another, "she that is afraid had better go home; I dread no man"; Wright, 438.

۱۱] Wright, 439.

[۲۱] Battle for the breeches:] اصطلاحی است برای توصیف نبرد بر سر اشغال نقش‌های جنسیتی و جایگاه فرادست در مناسبات بیناجنسیتی. تنبان اینجا مجاز از نمودهای بیرونی تحولاتی است که از آغاز دوران مدرن تا قرن نوزدهم در مناسبات جنسیتی و طبقاتی ایجاد شد. - م.

[۳۱] On the attack on the domineering wife, see D.E. Underdown, "The Taming of the Scold: The Enforcement of Patriarchal Authority in Early Modern England," in *Order and Disorder in Early Modern England*, eds. Anthony Fletcher and John Stevenson (Cambridge: University of Cambridge Press, 1986), 129.

[۴۱] Samuel K. Cohn, "Donne in piazza e donne in tribunale a Firenze nel rinascimento," in *Studi Sorici* no. 3 (July-September 1981): 531-۲۲.

[۵۱] See Underdown, "The Taming of the Scold," ۶۱-۶۳.

[۶۱] *Tis merry when gossips meete.*]

[۷۱] Bernard Capp, *When Gossips Meet: Women, Family, and Neighbourhood in Early Modern England* (Oxford: Oxford University Press, 2003), 117.

[۸۱] The literature on women's exclusion from crafts and guilds in England, as well as France, Germany, and Holland, is extensive. For England, see Alice Clark, *Working Life of Women in the Seventeenth Century* (London: Routledge & Kegan Paul, 1982 [1919]).

[۹۱] Marianne Hester, "Patriarchal Reconstruction and Witch Hunting," in *Witchcraft in Early Modern Europe: Studies in Culture and Belief*, eds. Jonathan Barry, Marianne Hester, and Gareth Roberts (Cambridge: Cambridge University Press, 1996), 302.

[۱۰۲] See, among others, Underdown, "The Taming of the Scold," ۳۲۱.

[۱۱۲] Underdown, "The Taming of the Scold," ۳۲۱-۵۲; see also S.D. Amussen, "Gender, Family and the Social Order, 1560-1640," in *Order and Disorder in Early Modern England*, eds. Anthony Fletcher and John Stevenson, ۵۱۲.

[۱۲۲] Underdown, "The Taming of the Scold," ۳۲۱.

[۱۳۲] Louis B. Wright, *Middle-Class Culture in Elizabethan England* (Ithaca, NY: Cornell University Press, 1965 [1935]).

منبع: [سایت نقد](#)